

تحلیل جامعه‌شناختی کودک و کودکی در آثار داستانی صادق هدایت

فاطمه طاهری سروتمین*

عاطفه جمالی**

فرامرز خجسته***

چکیده:

کودکی مفهومی سیال و فرهنگ مبنا است و ارائه‌ی تعریفی واحد از آن ناممکن است. حتی در یک جامعه‌ی واحد نیز طیف‌های مختلفی از کودکی دیده می‌شود. برای رسیدن به شناختی کلی از مفهوم کودکی می‌توان از دانش‌هایی که دسته‌بندی‌هایی از کودکی دارند، سود جست. در این پژوهش با تکیه بر رهیافت‌های جامعه‌شناسی و با روش توصیفی و تحلیل محتوای کیفی استقرایی، مفهوم کودکی را در آثار صادق هدایت واکاوی می‌کنیم. در این بررسی تلاش می‌شود در کنار الگوهای شناخته‌شده‌ی جامعه‌شناختی از کودکی، الگوهای فرهنگی جامعه‌ی ایران دوره‌ی پهلوی نیز در ضمن آثار معرفی شود. مطابق با الگوهای رایج جامعه‌شناختی می‌توان کودکان قربانی، یتیم، شرور، معصوم را در داستان‌های هدایت یافت. در کنار آن مطابق با شرایط اجتماعی و سبک داستان‌های هدایت می‌توان کودک-همسر، کودک-ابزار کسب درآمد، کودک-عامل تداوم نسل، کودک ته‌تغاری، کودک روان‌رنجور را نیز مشاهده کرد. هدایت، با شناختی عمیق از جامعه‌ی عصر پهلوی، کودکانی را به تصویر کشیده است که اسیر بزرگسالانی هستند که برای دست‌یابی به خواسته‌های حقیرانه‌ی خود آن‌ها را فدا می‌کنند. در کنار الگوهای رایج، هدایت در خلال نقد جامعه‌ی خرافی، کودکانی را معرفی می‌کند که در لایه‌های زیرین اجتماع تباه می‌شوند. بیشتر شخصیت‌های کودک داستان‌های هدایت، از طبقات فرودست‌اند و نویسنده با پرداختن به این شخصیت‌های کودک به نقد عصری می‌پردازد که سردمداران آن گام‌هایی را در جهت

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه هرمزگان taherifateme701@gmail.com

** دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه هرمزگان jamali.atefeh@gmail.com (نویسنده مسئول)

*** دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه هرمزگان faramarz.khojasteh@gmail.com

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۱۱/۰۸

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۳/۲۲

مدرن‌سازی جامعه و توجه به حقوق شهروندی و نیازهای کودک برمی‌دارند؛ اما در این میان، کودکان محروم بهره‌ی چندانی از این توجه نمی‌برند. واژه‌های کلیدی: الگوهای جامعه‌شناختی، داستان، صادق هدایت، مطالعات کودکی.

۱. مقدمه

نگرش به کودک و مفهوم کودکی در طول تاریخ تغییرات معناداری را پس پشت کرده است. «در قدیم نسخه‌های بی‌شماری از کودکی وجود داشته است: از کودک نجیب - وحشی از دیدگاه رمانتیک‌ها که نزدیک‌ترین به خدا است تا کودکی که ابلیس به دنیا می‌آید و نتیجه گناه اولیه است» (هانت، ۱۴۰۰: ۸۹). در گذر زمان متناسب با فرهنگ‌ها و گفتمان‌های مختلف کودک و کودکی به اشکال متفاوتی تعریف شده‌اند. در واقع، این مفهوم مانند بسیاری مفاهیم دیگر، مقوله‌ای اجتماعی و تابع شرایط و ضوابط فرهنگی است (پستمن، ۱۳۹۱: ۱۵). مفهوم سیال کودکی در جوامع و دوره‌های تاریخی گوناگون، در چارچوب‌های مختلف و متفاوت و متغیر درک و نهادینه شده است. مطالعات تاریخی، شناخت دقیق‌تری از بازشناسی کودکی به دست می‌دهند که بر مبنای عواملی مانند موقعیت اجتماعی و جغرافیایی کودکان و جنسیت و میزان رفاه یا فقرشان مشخص می‌شود. کودکی، حتی در زمان و مکان معین، وضعیتی مبهم است. کودکان با نمودهای متعددی از کودکی در خانه و مدرسه و زمین‌بازی، با تمام تناقض‌های آن، به‌ویژه در بافت‌های چندقومی شهری، سازگار می‌شوند و مرتباً از کندوکاو خلاقانه در آن لذت می‌برند (ووهد، ۱۳۹۷: ۱۵ و ۱۶). از نظر جامعه‌شناسی، دوران کودکی متغیری از تحلیل اجتماعی است. نمی‌توان آن را کاملاً از سایر متغیرهایی مانند طبقه، جنسیت یا قومیت جدا کرد. (جنکس، ۱۳۸۸: ۵۲).

هر دانشی با توجه به زیرساخت‌های خود، بر جنبه‌های خاصی از مفهوم کودکی تمرکز می‌کند، در این پژوهش باتکیه بر رهیافت‌های جامعه‌شناسی مفهوم کودکی را در آثار صادق هدایت، بررسی خواهیم کرد. هدف از این پژوهش معرفی الگوهای شناخته‌شده‌ی جامعه‌شناختی در آثار داستانی هدایت و در کنار آن تمرکز بر الگوهای برخاسته از فرهنگ ایرانی در عصر پهلوی است. با نظر به این که هدایت نویسنده‌ای است که در دو دوره‌ی پهلوی اول و دوم در چند سبک آثار

داستانی خلق کرده است، قطعاً بررسی آثار وی تصویری چندبعدی از مفهوم کودکی در آن عصر پیش چشم ما خواهد نهاد.

در این پژوهش از روش توصیفی و تحلیل محتوای کیفی استقرایی سود جسته شده است. «وقتی پژوهشگر به استنباط معنایی خاص از متن از طریق طبقه‌بندی کلمات و پی‌بردن به شباهت‌ها و افتراق‌ها و روابط بین آن‌ها می‌پردازد، روش کیفی مناسب است» (مؤمنی‌راد و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۹۶). در روش تحلیل استقرایی آنچه مهم است، کشف جزئیات و خصوصیات داده‌ها برای یافتن الگوها، درون مایه‌ها و روابط متقابل است. این روش با کاوش آغاز و سپس با تایید شکل می‌گیرد. با اصول تحلیلی راهنمایی می‌شود تا با قواعد صوری، با یک ترکیب خلاق خاتمه یابد (محمدپور، ۱۳۹۲: ۹۵). در این مقاله تلاش می‌شود به پرسش‌های زیر پاسخ داده شود:

۱. چه الگوها و مدل‌های جامعه‌شناختی‌ای از کودکی در داستان‌های هدایت ارائه شده است؟
۲. بازنمایی‌های کودک و جهان کودکی در آثار داستانی هدایت، چه پیوندی با شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی آن عصر دارد؟

۱.۱. پیشینه‌ی پژوهش

با توجه به بررسی‌های انجام شده، پژوهشی با این عنوان مشاهده نشد؛ اما چندین پژوهش وجود دارد که به قصد شناخت کودک و الگوهای کودکی در آثار و منابع دیگر انجام شده است: ربیعی (۱۳۹۱) در پایان‌نامه خود با موضوع کودکی در داستان‌های واقع‌گرای کودک دهه هشتاد تلاش کرده است با استفاده از یافته‌های علم روانشناسی کودک و اصول حاکم بر داستان کودک، چگونگی عملکرد نویسندگان را ارزیابی کند. در نهایت به این نتیجه دست یافته که نویسندگان دهه هشتاد در بازتاب مفهوم کودکی در داستان‌های واقع‌گرا در میانه راه هستند و در حالتی بینابین به سر می‌برند. نویسندگان این دهه کودک را موجودی مستقل و برخوردار از آزادی عمل و سرشار از خلاقیت‌های درونی و فطری با ماهیتی متفاوت از ماهیت بزرگسالان می‌دانند.

حاتمی (۱۳۹۷) در کتاب تاریخ کودکی در ایران از آغاز سلطنت ناصرالدین شاه تا پایان سلطنت رضاشاه با استفاده از نظریه برساخت‌گرایی اجتماعی و با نگاهی گفتمانی به بررسی مفهوم کودکی در دنیای سنتی و مدرن پرداخته و زمینه‌های اجتماعی - فرهنگی تحول مفهوم کودکی را مورد بررسی قرار داده است. از جمله نتایج این پژوهش آن است که مفهوم کودکی تا اواسط عصر ناصری تابعی از تعریف سنتی آن در جهان قدیم بود که کودکی را